

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

## تبلیغات رمزنگاری اسلامی و جذابیت دیپلوماسی عمومی از تجارب گذشته باید آموخت و نباید به کج راه رفت بازشناسی وظایف وطنی و تشخیص رسالت ملی

اسلام بمتابۀ بازیچه دست تروریست‌ها و دهشت افکن‌ها  
تقابل جنگ سرد و مداخلات غرب در کشور ما چه ببار آورد؟  
پس منظر دیکته انتخاب‌های سیاسی پاکستان  
نباید ساده اندیشی را پیشه نمود

رمزنگاری، علم کدها و رمزهاست که یک هنر قدیمی بوده و برای سده‌های متوالی بمنظور محافظت از پیغام‌هایی که میان فرماندهان، کارکنان استخباراتی، عشاق و دیگران رد و بدل شده، استفاده بعمل آمده است تا پیغامهای آنها محرمانه بماند. بعبارت دیگر میتوان گفت که رمزنگاری از دیرباز بمتابۀ یک ضرورت بمنظور حفظ اطلاعات خصوصی در مقابل دسترس سب‌های غیرمجاز در تجارت و سیاست و مسایل نظامی وجود داشته است. بگونه نمونه، تلاش بمنظور ارسال یک پیام سری میان دو هم‌پیمان بگونه ایی که حتا اگر توسط دشمن در یافت شود، قابل درک نباشد. اغلب، این رمزنگاری، هنر نوشتن بگونه رمز است، چه رمز نگاری مخفف‌ها و اصطلاحات ویژه بخود را دارد. بمنظور درک عمیقتر بمقداری از دانش و ریاضیات نیازی باشد. طراحان سیستم‌هایی که در آنها از رمزنگاری استفاده می‌شود. باید از نقاط قوت و ضعف الگوریتم‌های موجود مطلع باشند و برای تعیین الگوریتم مناسب قدرت تصمیمگیری داشته باشد. کنترل و نظارت بر اطلاعات فجایع تروریستی در هدایت و صیانت از افکار عمومی، از اهمیت منحصر بفردی برخوردار می‌باشد. ابزار تروریست‌ها به منظور فتح روانی جامعه، گسترش مقطعی موج خشونت و وحشت است. بعبارة ساده تر، هدف از اعمال تروریستی بگونه معمول ایجاد انفجار و کشتار بسیار وسیع نیست، اما هرچه جمعیت بیشتری از حادثه، در لحظه وقوع مطلع شوند و بترسند خسارت حاکمیتی ترور بیشتر می‌شود. پس کنترل تروریسم، علاوه بر ایجاد امنیت، نیاز باشراف امنیتی بر ارتباطات و کشف روابط گروه‌های تروریستی و مدیریت محتوای تولیدی و توزیعی آنها دارد.

"طالب"ها برای نخستین مرتبه، پس از نایل گردیدن بقدرت، بر بنیاد دعوت رسمی باروپا (اسلو) سفر نموده و باین مسأله دل خوش نموده بودند که در نهایت امر، از جانب جامعه جهانی برسمیت شناخته خواهند شد. اما در نتیجه، باین واقعیت گردن نهادند که ممکن در این نزدیکی‌ها شاهد رفع تعزیرات وضع شده نبوده و خود آنها نیز بدلیل توهین بزنان و نقض صریح حقوق بشر محاکمه خواهند شد. در امتداد هفته پسین، فرستاده برخی از کشورها با سراج الدین حقانی سرپرست وزارت امور داخله "طالب"ها، ملاقات و گفتگوهایی انجام دادند، اما تلاش بمنظور دستیابی به فیلم ضبط شده از مصاحبه یادشده به نتیجه ایی منجر نگردید. با این حال، اما دسترسی با اطلاعاتی در مورد یادشده دروسایل اطلاعات جمعی امکان پذیر می‌باشد. این کنجکاو می‌موجود بود که چرا حقانی بدرخواست خودش، فضای معمایی منحصر بفردی را در اطراف شخصیت خویش حفظ مینماید. در اوایل امر و آغاز چهره نمایی، تشخیص صورت ظاهری وی بگونه ای کامل، امکان ناپذیر بود. صورت ظاهری و شمایل نامبرده در مراحل نخست چهره نمایی معشوش بنظر رسیده و اما پس از آن در قبالی چهره ظاهری وی که بیشتر به تصویر تثبیت شده امام مخفی ترور شباهت داشت، ادای احترام بعمل آمد. این به چه معنا و مفهومی تلقی می‌گردد؟

آیا چنین یک وضعیتی بمثابة سبک سیاسی رمزسالارانه بانگیزهای مذهبی بسیاری از "طالب" هاپنداشته نمی شود؟ اما بخاطر باید داشت کاین نخستین مصاحبه حقانی نبود، بلکه نامبرده در امتداد سال ۱۳۸۹ نیز با "الجزیره" مصاحبه مختصری انجام داده بود که در آن، بخشی از چهره اش را بنمایش گذاشت. بگفته منابع محلی، در جمع نماینده های یادشده، فرستاده های جمهوری مردم چین، ترکیه و دیپلوماتهای کشور های مختلف حضور بهم رسانیده بودند. حقانی ضمن مصاحبه ای با تلویزیون الجزیره، جنجال های زیاد ی را سبب گردید. "الجزیره" همچنان گزارش داد که حقانی در مصاحبه ذکر شده تأکید بعمل آورد در صورتی که ایالات متحده از برسمیت شناختن امارت اسلامی امتناع ورزیده و بر موضعگیری اش پافشاری نماید، در چنین وضعیتی، خطرانی متوجه آن کشور خواهد گردید. اما نطق وزارت امور داخله "طالب" ها، اظهارات وزیر یادشده را قسمن تفسیر نمود که حقانی تعهد افغانستان رامبنی بر اینکه از سرزمین و اراضی افغانستان هیچگونه تهدیدی متوجه ایالات متحده و جامعه جهانی نخواهد گردید، تکرار نمود. همچنان، مسؤلان آن وزارت خاطر نشان نمودند که امارت اسلامی به توافقنامه دوحه متعهد بوده و هیچگونه عملکرد خصمانه ای را از جانب افغانستان نباید منتظر باشند. همچنان در مورد آزاد سازی سرمایه توقیف شده بانک مرکزی کشوری یادآوری بعمل آورده و خواهان رفع تحریم های وضع شده علیه رهبران امارت اسلامی، حذف اسمای رهبران آنها از فهرست سیاه از جمله عمده ترین مسایل مطرح شده در مصاحبه سرپرست وزارت امور داخله "طالب" ها بود.

خاطر نشان می گردد که سراج الدین حقانی، در کنار عهده دار بودن وزارت امور داخله "طالب" ها، رهبر خطرناکترین گروه تروریستی "شبکه حقانی" نیز می باشد که علیه حاکمیت قبلی و قوتهای نظامی خارجی موجود در کشور مبارزه می نمود. بکارگیری و اجرای عملیات انتحاری را بمثابة هویت سازمانی شبکه یادشده می پندارند، چه، شبکه یادشده از همان اول امر با استخدام و آموزش انتحاری ها مبادرت ورزید. تاکتیک متذکره، تأثیرگذاری اش را اثبات نمود. در چنین وضعیتی، "شبکه حقانی" نیز وارد حلقه "طالب" ها گردیده و در واقعیت امر، اتحاد سیاسی اش با "طالب" ها را عملن اعلام نمود. همچنان نباید فراموش نمود که هسته های خوابیده این سازمان زیر زمینی قادر گردید تا بتاريخ ۲۴ ماه اسد سال پار، کابل را از داخل به تصرف در آورد. همچنان، شبکه یادشده مسولیت عملیات انتحاری در میدان هوایی کابل را حین تخلیه امریکایی ها از آنجا نیز بر عهده گرفت.

شبکه یادشده و درکل، ماهیت حقوقی و چگونگی ترکیب ساختاری آن حتا برای رهبری ارشد "طالب" ها نیز کاملن گنگ و مبهم می باشد. امکانات گسترده استخباراتی گروه یادشده در امر فراز آمدن گروه زیرزمینی قبلی به رهبری وزارت امور داخله، مؤثر واقع گردید. این از یکجانب و از جانب دیگر ماهیت فداکارانه عملکردهای زیرزمینی، در نوع خود، اصل اقتدار طایفه حقانی را مجددن ارتقا داد که در نتیجه، دستیابی به کنترل و اداره سودآورترین بخش ها در کشور را برایش میسر نمود.

همچنان، شهرت اعضای این بخش "طالب" ها در حال حاضر، بوضوح کامل بر موقعیت و وضعیت بخش هایی از دولت را که نماینده های طایفه حقانی در اختیار دارند، نیز تأثیرگذار خواهد بود. علاوه بر آن، تأثیر گذاری و اثربخشی شبکه یادشده باندازه ای چشمگیر است که حتا رهبری شبکه یادشده در صدد دستیابی بامکانات انجام عملکردهای مستقل در عرصه بین المللی نیز می باشد.

این بخودی خود، از جمله عمده ترین علل غیر منتظره فعالیت دیپلوماتیک حقانی ها محسوب می گردد. علت دیگر در این مورد عبارت از اینست که بازیگران کنونی در صدد تقویة مواضع ملا برادر میباشند. عجیب است که بسیاری از تحلیلگران شایعاتی در مورد سفرو دیدار مسعود، صالح، یعقوب و برادر به مسکو را بمثابة تلاش هایی بمنظور نزدیکی مواضع گروهها و بخش های میانه رو "طالب" ها با جبهه ملی برهبری مسعود می پندارند. مسکو اعلام نمود که دیدارها و ملاقات های اینچنینی را مورد تأیید قرار نداده، آنرا شایعه ای بیش ندانسته و سازگار با واقعیت های کنونی جامعه افغانی نمی پندارد.

در اینجا پرسشی ذهن همه را بخود مشغول می نماید که آیا بویژه پس از تغییر رژیم در کشور عزیز ما افغانستان، می توان منتظر تغییراتی در جامعه بود؟ قابل تذکر پنداشته می شود که ایالات متحده، بویژه از نیمه دوم سال ۱۳۶۹ در مورد "طالب" ها، موضعگیری های دوگانه ای را اتخاذ نمود. در محافل سیاسی، عده بیشماری خواهان همکاری با "اتحاد شمال" بودند که ضد "طالب" ها محسوب می گردیدند. در امتداد

سال ۱۳۷۹ اداره بل کلنتن، موضع ضد طالبانی اختیار نمود، اما پس از پیروزی جورج دبلیو بوش در انتخابات ریاست جمهوری کشورش، هواخواهان "طالب"ها در ایالات متحده، روی نامبرده حساب باز کرده و تصور نمودند که نامبرده در صدد اصلاح نقش "طالب"ها می باشد. وی در سال ۱۳۸۰ خط و نشان را در مورد یادشده واضح و مبهرن نمود. تأثیرات و اثربخشی دیدگاههای یادشده بعدی بود که حتا پس از حملات ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ در نیویارک و واشنگتن، باستثنای اقدامات تلافی جویانه علیه گروه "القاعده" و سرنگونی حاکمیت "طالب"ها که در مشارکت با آنها قرار داشتند، گزینه دیگری اصلن سراغ نمی گردید.

در کنار معضلات گونه گونه و متعدد، یکی هم از موجودیت جنگجویان "تحریک طالب های پاکستان" در سرزمین و اراضی متعلق به کشور ما سخن می گویند. بر بنیاد گزارش های منابع خبرسانی، "طالب"ها اظهار نمودند که بمنظور انتقال و جابجایی جنگجویان "تحریک طالب های پاکستان" از مناطق مرزی به محلات دیگر افغانستان اقدام صورت گرفته و در این مورد بگونه جدی عمل خواهند نمود. پاکستان به "طالب"های افغان هشدار داد که اگر آنها با اقدامات و تدابیری علیه تحریک یادشده متوسل نگردند، در نوع خود، عواقب سنگینی در پی خواهد داشت. در پاسخ باین تقاضای جانب پاکستان، "طالب"ها تصمیم گرفتند تا جنگجویان تحریک نامبرده را به مناطق غیرمرزی، در محلات دیگر افغانستان جابجا نمایند. اسلام آباد ادعا نمود که جنگجویان تحریک یادشده در مناطق و محلات مرزی افغانستان با پاکستان جابجا شده و از آنجا حملات مسلحانه ای را علیه پاکستان سازماندهی و اجرا می نمایند.

اما مدتی قبل، قوت های نظامی پاکستان بر اهدافی در ولایت های خوست و کنر کشور ما حملاتی را انجام داده و اعلام نمودند که در نتیجه آن تعدادی از جنگجویان تحریک یادشده را از پا در آوردند، اما اطلاعات مؤثقی دال بر این امر بنشر رسید که در نتیجه حملات یادشده، دهها تن از افراد ملکی کشور ما ب خاک و خون کشیده شدند.

حملات یادشده در پاسخ به مرگ هفت تن از سربازان پاکستانی توسط جنگجویان تحریک یادشده در وزیرستان شمالی در نزدیکی مرز با افغانستان عنوان گردید. اما وزارت دفاع "طالب"ها نیز اعلام نمود که بر بنیاد برخی عوامل به چنین اقدام تجاوزکارانه پاکستان بر حریم افغانستان، شاهد عکس العملی در مورد نبودیم.

یکشنبه ۱۱ ماه ثور سال ۱۴۰۱ خورشیدی